

آموزش و پرورش در ایران باستان

Education in Ancient Persia

منظور از دوره باستان در ایران همانا از زمان پیدایش خط و شروع تاریخ‌نگاری تا طلوع اسلام است. در روایتی، این دوره خود به دو بخش قبل و بعد از ساسانیان تقسیم می‌شود: بخش قبل از ساسانیان شامل دوره مادها، هخامنشیان، سلوکیان و اشکانیان است (درانی، ۱۳۹۳). اطلاعات مربوط به شرایط اجتماعی دوره باستان در ایران، کامل و دقیق نیست. برخی علت آن را حمله اسکندر به ایران و تخریب آثار فرهنگی و تمدنی آن می‌دانند. اما منابع و آثاری هستند که بتوان با استفاده از آنها ویژگی‌های فرهنگی و تربیتی این دوره را بازشناسی کرد که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: الف) سنگ‌نوشته‌ها که بر سینه کوه‌ها در برخی از مناطق این سرزمین از زمان‌های بسیار دور بر جای مانده‌اند؛ ب) الواح زرین، گلین، سیمین و آثار دیگری که در نتیجه حفاری‌ها از دل خاک بیرون کشیده شده‌اند؛ ج) نوشته‌ها و گزارش‌های مورخین غیرایرانی مانند هرودوت، و گزنفون و در آخر پاره‌ای از منابع ایرانی قبل از اسلام که از لحاظ علمی در بیشتر موارد قابل بررسی و استناد نیستند (وکیلان، ۱۳۷۶: ۱۸).

در اوایل هزاره دوم قبل از میلاد، آریایی‌ها قدیمی‌ترین قومی هستند که وارد ایران شدند و در این سرزمین سکنی گزیدند. از قرن نهم قبل از میلاد مادها و پارس‌ها به‌منزله دو قوم بزرگ در ایران حضور یافته‌اند. «مسلماً در هزاره اول قبل از میلاد، خط و کتابت در سرزمین ماد وجود داشت. این خط همان است که امروز آن را خط پارسی باستان یا خط هخامنشی ردیف اول می‌خوانیم، ولی در واقع، از لحاظ اصل و منشأ مادی است» (دیاکونوف، ۱۳۴۵: ۴۴۷).

در قرن هفتم قبل از میلاد، دولت هخامنشیان تشکیل شد، و با پادشاهی کوروش در ۵۵۹ ق.م تثبیت یافت. در دوره

هخامنشی، جامعه ایران طبقاتی بود. در این دوره، دولت شکل گرفت و طبقات گوناگون اجتماعی تعریف شدند. از عهد پادشاهی اردشیر اول (درازدست) یعنی از ۴۶۴ ق.م تا فتح ایران به دست اسکندر مقدونی یعنی تا ۳۳۱ ق.م دین زرتشت دین رسمی‌شان، زبان نوشتارشان آرامی و زبان گفتارشان فارسی بود. در این دوره سه نوع ادبیات وجود داشت: ادبیات ممتاز، مخصوص بزرگان و آموزش دیدگان؛ ادبیات عامه، شامل قصه‌ها و ضرب‌المثل‌ها؛ و ادبیات عالمان، مخصوص مباحث فنی (درانی، ۱۳۹۳: ۱۸). البته لازم به ذکر است که به‌طور کلی، علم و دانش در دوره هخامنشی رشد چندانی نکرد.

در ۳۳۴ ق.م دوره سلوکیان با تسخیر ایران به دست اسکندر شکل گرفت که نماد تسلط یونان بر ایران است. نفوذ زبان، هنر و ادبیات یونان بر فرهنگ ایران باستان وضع یونان مآبی (Hellenization) را پدید آورد و ایرانیان، به‌ویژه طبقه حاکم تشویق شدند تا مؤلفه‌های فرهنگ یونانی را بر روابط اجتماعی خود حاکم کنند. با روی کار آمدن حکومت اشکانیان (پارتیان) دولت سلوکیان رو به اضمحلال نهاد و فرهنگ و زبان ایرانی جای فرهنگ یونان را گرفت.

از ۲۴۴ - ۶۵۲ ساسانیان که بر ایران حکومت کردند، آنها توانستند بار دیگر سرزمین‌های پارسی زبان را به‌صورت متحد در آورند و دولتی واحد و مستقل تشکیل دهند. در این دوره نیز مانند گذشته، اختلاف طبقاتی بر جامعه حاکم بود. می‌توان از ویژگی‌های دوره ساسانی به توسعه زمین‌داری و توجه به شهرها، رونق تجارت و صنعت و به‌ویژه بافندگی و توجه به هنر درباری اشاره کرد (همان: ۲۹-۳۰).

بر اساس همین تقسیم‌بندی تاریخی، برخی معتقدند که مطالعه تاریخ آموزش و پرورش این دوره هم می‌تواند در پنج بخش شامل: دوره‌های اوستایی؛ مادی؛ هخامنشی؛ اشکانی و ساسانی انجام شود. خصوصیات اجتماعی هر یک از این دوره‌ها به‌گونه‌ای است که باید به‌طور جداگانه مورد مطالعه

قرار گیرند و نمی‌توان آنها را به‌صورت به‌هم‌آمیخته مطالعه کرد (بیژن، ۱۳۵۰).

باتوجه به مطالب بسیار مختصر فوق در خصوص اوضاع اجتماعی و اقتصادی ایران در دوره باستان می‌توان گفت: ایرانیان توانستند در عهد باستان تمدنی بزرگ را ایجاد و به جهانیان معرفی کنند. عظمت این میراث گرانبها به‌حدی است که مورخان و اندیشمندان غربی نیز به آن اذعان داشته‌اند؛ برای مثال، هرودوت مورخ بزرگ یونانی در خصوص توسعه‌یافتگی دستگاه اداری و دیوانی ایران باستان می‌گوید: «ایرانیان نخستین ملتی بودند که در این قسمت از زمین به ثبت و نگهداری گزارشات همت گماشتند» (هرودت، ۱۳۴۳). یا گفته‌اند نخستین بار، «زاب» فرهنگستان را ایجاد کرده است.

مطالعه آموزش و پرورش ایران باستان، از آن جهت که ریشه و شالوده بسیاری از آداب، عادات و سنن ملی و قومی ما را روشن می‌سازد، سزاوار توجه ویژه‌ای است (وکیلان، ۱۳۷۶: ۱۷). در واقع، ایرانیان در دوره باستان توجه خاصی به آموزش و پرورش داشته‌اند. وجود زبان‌های متنوع گفتاری و نوشتاری، دستگاه پیشرفته اداری و کشورداری، صنایع و هنر در این مرز و بوم، آموزش و پرورش را برای افراد جامعه ضروری می‌نمود. در کتاب دینکرت در خصوص اهمیت تربیت در ایران باستان آمده است: «تربیت را باید مانند زندگی مهم شمرد، هرکس باید با پرورش و فراگرفتن و خواندن و نوشتن خود را به پایگاه ارجمند رساند و با رعایت دستورات دینی و استفاده از پندنامه‌ها قانون و نظم را نگه دارد» (صدیق، ۱۳۳۶: ۵۴). در کتاب *اخلاق دینشاه* نیز در این خصوص آمده است: «۱- اگر شخص بیگانه‌ای یا هم‌کش یا برادر یا دوست برای تحصیل دانش و هنر نزد تو آمد او را بپذیر. ۲- معلومات و دانش خود را تا مطمئن نباشی که روح آن را در یافته‌ای به اشخاص دیگر عیان نساز». در *خرده اوستا* آمده است که «ای اهورامزدا به من

فرزندی عطا فرما با تربیت و دانا بوده و در هیأت اجتماع داخل شده و به وظیفه خود رفتار نماید، فرزندی رشید و محترم که حاجت دیگران را برآورد، فرزندی که بتواند در ترقی و سعادت خانواده و شهر و کشور خود بکوشد» (همان: ۵۵).

به‌طور کلی، تعلیمات گوناگون در ایران باستان در مراکز تعلیم به چهار مقطع کودکان؛ جوانان؛ مردان؛ و سال‌خوردگان تقسیم می‌شده است. در این دوران، دانش‌آموزان در طبقات زیر تقسیم‌بندی می‌شده‌اند: دانش‌آموزان خاص شامل شاهزادگان و بزرگ زادگان؛ دانش‌آموزان حرفه‌ای شامل فرزندان روحانیون و فرزندان صاحبان مشاغل؛ دانش‌آموزان عمومی شامل فرزندان آموزگاران، کارمندان و بازرگانان. باتوجه به مطالب بالا می‌توان گفت که وضعیت آموزش و پرورش در ایران باستان چنین بوده است.

آموزش عمومی

به‌طور کلی، آموزش و پرورش عمومی به مفهوم امروزی آن در ایران باستان وجود نداشت و همه اعضای جامعه حق تحصیل و بهره‌مندی از آموزش را نداشتند. به‌سخن دیگر، آموزش به غیر از آموزه‌های دین زرتشت طبقاتی بود؛ البته این رویکرد مربوط به اهداف و نحوه برخورد زمامداران بود. بر این اساس، طبقه و دین دو عامل مهم آموزش و پرورش در این دوره است (درانی: ۳۴). خدمت به خانواده و طبقه و حفظ امتیازات و برتری‌های طبقاتی از اهداف مهم آموزش و پرورش در ایران باستان به حساب می‌آمد.

در خصوص انواع آموزش در ایران باستان، طبقه‌بندی‌های گوناگون صورت گرفته است: برای نمونه، تکمیل همایون آموزش‌های مرسوم در ایران باستان را شامل آموزش سیاسی و کشورداری، آموزش مذهبی، آموزش حرفه‌ای و آموزش دیوانی می‌داند (تکمیل همایون، ۱۳۶۸: ۵۷). بانظر به این

عملی آموخته می‌شد (هردوت، ۱۳۴۳).

• **آموزش بدنی و نظامی.** تربیت بدنی و نیز آموزش نظامی

در ایران باستان جدای از آموزش دینی و اخلاقی نیست بلکه مکمل یکدیگر است. همان‌گونه‌که، در قبل گفته شد: ایرانیان از کودکی به فرزندان خود سوارکاری و تیراندازی را در کنار راست‌گویی و درست‌کرداری آموزش می‌دادند. اگرچه در ایران باستان هم آموزش‌ها و هم شاگردان طبقه‌بندی شده بودند، اما همه شاگردان لازم بود تا آموزش‌های بدنی و نظامی را ببینند. به‌طورکلی، آموزش و پرورش در دوران قبل از ساسانیان خصیصه‌ای نظامی‌گری داشت. هدف عمده آموزش و پرورش ساسانی تبدیل کودک به یک شهروند جنگ‌جو بود (درانی: ۳۱). در برنامه آموزشگاه‌ها در ایران باستان، ابتدا و انتهای روز به آموزش دروس اختصاص می‌یافت و اواسط روز به تربیت بدنی و تعلیمات نظامی پرداخته می‌شد. شاگردان صبح زود بیدار می‌شدند، مساحت زیادی را می‌دویدند، بر اسبان سرکش سوار می‌شدند و به سرعت می‌تاختند. فرزندان نجیب‌زادگان و گروه‌های مرفه، به چوگان‌بازی، شطرنج، شمشیربازی، سوارکاری، شکار، تیراندازی و کشتی نیز می‌پرداختند. معلمان و مربیان این درس‌ها و ورزش‌ها از ماهرترین و ورزیده‌ترین و پاک‌دامن‌ترین افراد جامعه انتخاب می‌شدند و درس‌های فراوان می‌دادند (تکمیل همایون: ۵۶-۵۷).

• **آموزش حرفه‌ای و هنری.** این نوع آموزش بیشتر

مخصوص فرزندان طبقه پیشه‌وران بود که ظرفیت‌های فراوانی در ابعاد گوناگون حرفه‌ای و هنری داشتند و آموزش این زمینه‌ها، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای حضور کودکان و جوانان این طبقه در عرصه فردی و اجتماعی بود. هنر و دانش سفال‌گری، فلزکاری، بافندگی، چوب و شیشه و حتی کاغذسازی از جمله این هنرهاست. این هنرها به‌ویژه در عهد ساسانیان به اوج خود رسید. توسعه اقتصادی، گسترش شهرها، و رونق تجارت از دلایل عمده شکل‌گیری و

تقسیم‌بندی‌ها، مهم‌ترین آموزش‌هایی که در ایران باستان که مورد توجه قرار گرفته بودند، به‌شرح زیر است:

• **آموزش دینی و اخلاقی.** نخستین، رسمی‌ترین و

همگانی‌ترین نوع آموزش در ایران باستان، آموزش دینی و اخلاقی بود. *اوستا* به‌منزله کتاب درسی و نیز عامل وحدت فرهنگی در میان ایرانیان باستان شناخته می‌شد. فصل خاصی از *اوستا* به نام «هوسپرم نَسک» به‌طرز تعلیم اوصاف معلم و وظایف پدر و مادر در تربیت فرزند اختصاص دارد. همچنین پندنامه زرتشت، پدر و مادر را مسئول تربیت فرزند می‌شناسد.

کودکان در ایران باستان تا ۵ سالگی تحت مراقبت و تربیت مادر بودند و از ۵ - ۷ سالگی تحت سرپرستی پدر قرار می‌گرفتند. از ۷ سالگی به‌بعد، وارد مدرسه می‌شدند. سن ۷ - ۲۰ سالگی دوره آموزش عمومی و پس از آن تا ۲۴ سالگی دوره آموزش عالی را می‌گذراندند. بخش مهمی از تمام دوران تحصیل شاگردان در ایران باستان، آموزش‌های دینی و اخلاقی بود که بر محور *اوستا* انجام می‌شد. به‌گونه‌ای که کودکان تا رسیدن به سن ۷ سالگی، قطعاتی از *اوستا* را به حافظه می‌سپردند. آموزش عمومی تا ۲۰ سالگی ادامه داشت تا اینکه در این سن از شاگردان امتحان می‌گرفتند (کریستن‌سن، ۱۳۷۰: ۴۳۸). در پرورش اخلاقی کودکان، توجه به راستی و راست‌گویی خیلی مورد تأکید، به‌حدی که زرتشت دین خود را آیین راستی خواند. «انسان راست‌گو استوار و محکم است و هرگز سختی‌ها همت او را سست نمی‌کند. تا مرا تاب و توانی هست تعلیم خواهم داد که مردم به‌سوی راستی روند و راستی یگانه فضیلت است، راستی شادمانی است، شادمانی از آن کسی که همواره راست‌گو و درست‌کردار است» (صدیق: ۶۱). هردوت در این زمینه نوشته است که ایرانیان سه چیز را به فرزندان خود می‌آموختند: سوارکاری، تیراندازی، راست‌گویی و این آموزش‌ها بیش از آنکه جنبه نظری داشته باشد، به‌صورت

حقیقت ایرانی شده بودند و این گروه اکثریت را داشتند؛ دسته دوم، ایرانیان اصیلی بودند که زبان پهلوی و مذهب ایرانی داشتند؛ دسته سوم، علمای هندی بودند که مانند سریانی‌ها داخل سرزمین ایران شدند، اینها نسبت به دو گروه دیگر در اقلیت بودند (درانی: ۵۵).

به‌طور کلی، آموزش عالی در ایران باستان دو هدف را دنبال می‌کرد: یکی هدف دینی، و دیگر دنیوی. برای رسیدن به هدف دنیوی که همانا پاسخ‌گویی به نیازهای اجتماعی آن عصر بود، نیروی انسانی لازم از طریق برنامه‌های آموزشی و درسی مانند طب، فلسفه، و نجوم تربیت می‌شد و برای رسیدن به هدف دینی که از اهمیت بیشتری نیز برخوردار بود، علاوه بر آموزش مضامین دین زرتشت و کتاب *اوستا*، دانش‌های دینی مذهب نصاری هم آموزش داده می‌شد که در پیوند با متن‌های یهودی، به منطقه شام و فلسطین تعلق داشت و هدف اساسی این دانش‌ها آماده کردن دانشجویان برای هدایت مسیحیان در تمام کلیساهای منطقه نسطوری‌نشین به‌ویژه ایران بود (همان: ۶۱).

ایرانیان در دوران باستان توانستند تمدنی بزرگ بسازند و به جهان معرفی کنند. بدون شک، محوری‌ترین عنصر در شکل‌گیری و معرفی این تمدن، آموزش و پرورش بود که باتوجه به مقتضیات این تمدن، در دو سطح عمومی و عالی برنامه‌ریزی و اجرا می‌شد. همان‌طور که اشاره شد آموزش عمومی شامل ابعاد گوناگونی از جمله دینی و اخلاقی، بدنی و نظامی، حرفه ای و هنری بود. به‌طور عمده آموزش عالی هم در ایران باستان مربوط به دوره ساسانی بود. تحولات همه‌جانبه ایران در این دوره و ارتباط با تمدن‌ها و ملل دیگر در عهد ساسانی موجبات شکل‌گیری و پیشرفت آموزش عالی را فراهم کرد. آموزش عالی در ایران باستان، دو هدف کلی داشت که باتوجه به ضرورت‌های زندگی اجتماعی، و پرورش دینی و اخلاقی تعیین و به‌صورت مکمل پی‌گیری می‌شد.

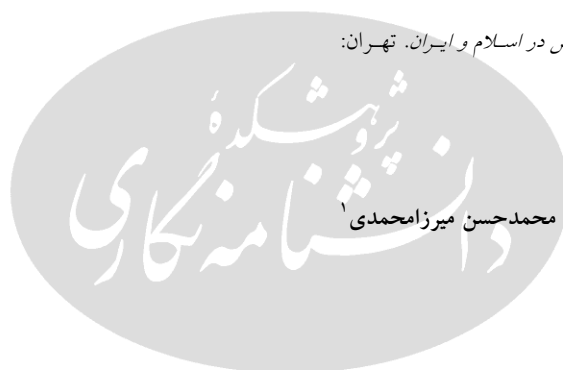
پیشرفت حرفه‌ها و هنرها در این دوره بود. در دوره ساسانی دیگر هدف اساسی آموزش، پرورش جنگجو نبود، بلکه آماده کردن فرد برای زندگی بود. براین اساس، کودکان و جوانان به سمت و سوی یادگیری حرفه‌ها و صنایع گوناگون هدایت می‌شدند.

• **آموزش عالی.** آموزش عالی در ایران باستان را بیشتر باید مربوط به دوره ساسانی دانست. تحولات همه‌جانبه ایران در این دوره و ارتباط با تمدن‌ها و ملل دیگر در عهد ساسانی موجبات شکل‌گیری و پیشرفت آموزش عالی را فراهم کرد. در واقع این آموزش را باید تداوم آموزش عمومی برای پاسخ‌گویی به نیازهای سطح بالای این تمدن در ابعاد گوناگون اجتماعی، اقتصادی، نظامی و ... دانست. آئین کشورداری و دیوانی، ادبیات و هنر غنی، اقتصاد پویا، ارتباط گسترده، سازمان‌دهی مسائل حقوقی و قضایی و... از ظرفیت‌های مهم برای شکل‌گیری و توسعه آموزش عالی در ایران باستان است.

نماد آموزش عالی در ایران باستان را باید دانشگاه جندی‌شاپور دانست. در قرن سوم میلادی، این مرکز علمی در دوره ساسانی در جنوب شرق ایران (خوزستان امروز) از سوی شاپور اول بنیان‌گذاری و با انوشیروان به اوج پیشرفت رسید. این مرکز علمی، علوم گوناگون را در بالاترین سطح با برترین استادان ایرانی و غیرایرانی آموزش می‌داد. جندی‌شاپور محل تدریس علوم گوناگون از جمله طب، فلسفه، ریاضیات و نجوم بود. وجود دانشکده‌های پزشکی و بیمارستان‌های وابسته به آنها، علم نجوم و رصدخانه وابسته در این مرکز علمی، نشان از بالا بودن کیفیت آموزش عالی در ایران باستان داشته است. استادان جندی‌شاپور از بهترین دانشمندان روزگار خود، و از داخل و خارج از ایران انتخاب می‌شدند. روی هم‌رفته، استادها و رؤسای دانشگاه و بیمارستان جندی‌شاپور از سه دسته تشکیل می‌شدند: دسته نخست، مسیحیان سریانی ساکن و تبعه ایران بودند که در

کتابشناسی

- بیژن اسداله (۱۳۵۰) سیر تمدن و تربیت در ایران باستان. تهران: ابن سینا.
- تکمیل همایون، ناصر (۱۳۶۸) «آموزش و پرورش کودکان و نوجوانان در دوره ساسانی»، مجله تحقیقات تاریخی، ش ۴۳.
- درانی. کمال (۱۳۹۳) تاریخ آموزش و پرورش ایران. تهران: سمت.
- دیاکونوف. ایگور میخایلوویچ (۱۳۴۵) تاریخ ماد، ترجمه کریم کشاورز، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- صدیق، عیسی (۱۳۳۶) تاریخ فرهنگ ایران از آغاز تا زمان حاضر. تهران: دانشگاه تهران.
- کرستن سن. آرتور ایمانوئل (۱۳۷۰) ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی. تهران: دنیای کتاب.
- هرودوت (۱۳۴۳) تاریخ هرودوت، ترجمه غلام‌علی وحید مازندرانی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- وکیلان، منوچهر (۱۳۷۶) تاریخ آموزش و پرورش در اسلام و ایران. تهران: دانشگاه پیام نور.



۱. عضو هیأت علمی دانشگاه شاهد